

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/10/14



موضوع: ولوغ خنزیر و جرز

سید یزدی قدس الله نفسه الزکیه فرمودند که «يجب فی ولوغ الخنزیر غسل الاناء سبع مرات» که شرحش را دادیم «و کذا فی موت الجرّز» که گفتیم حکمش از نص استفاده شده هرچند نصش آن روایت که مربوط به ولوغ خنزیر است صحیحه است، روایتی که مربوط به جرز است موثق است. منتها حکم هر دو همان هفت بار تطهیر از همان نصّ خاص که یک روایت باشد یعنی یک بار و یک روایت. که ولوغ خنزیر صحیحه علی بن جعفر بود و نصی که حکم جرز را بیان کرده است موثقه عمار سبابی است. محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن احمد بن یحیی عن احمد بن حسن بن علی عن عمرو بن سعید که توثیق خاص دارد عن مصدقه بن صدقه که هم توثیق دارد عن عمار السبابی عن ابی عبد الله علیه السلام در حدیثی که تا اینجا می رسد «اغسل الاناء الذی تصیب فیهِ الجرّز میتا سبع مرات» [1]. آن ظرفی که موش صحرائی داخل آن ظرف آب بمیرد، بعد از آنکه آن آب آلوده را بیرون بریزید هفت بار تطهیر کنید. یک روایت است با این سند و فتوا همین است و اشکالی نیست. اما مسئله خنزیر که گفتیم نص خاص دارد. سوال شد که خنزیر کلمه عربی است و ترجمه آن خوک و گراز است، خوک که معنای خنزیر است، آیا گراز هم همینطور است؟ بله، خوک و گراز دو تایش مصداق خنزیر است، منتها خوک تقریباً اهلی است و گراز خوک وحشی و قوی تر و درنده تر است و حالت درندگی دارد و شکار حیوانات می کند و خوک هم علف خوار است و هم گوشت خوار. خوک و گراز هر دوتایشان خنزیرند، نجس العین گوشتش و تمام متعلقاتش آنهایی که دمویه هست نجس است و ولوغش هم نجس و تطهیر این ظرفی که ولوغ صورت گرفته باشد، باید هفت بار انجام بگیرد.

مسئله 7: تطهیر ظروف خمر وجوب سه بار و استحباب هفت بار

مسئله هفتم: «يستحب فی ظروف الخمر الغسل سبعا و الاقوی کونه کسائر الظروف فی

کفایه الثلاث». درباره تطهیر ظروف خمر که متاسفانه این هم جزء موارد محل ابتلاء است و از خمر هم استفاده می کنند که تطهیر ظروف متنجس به خمر واجب است که سه بار شستشو بشود و بنابر احتیاط هفت بار تطهیر بشود.

دو روایت و جمع عرفی

چرا هفت بار را احتیاطاً گفتیم و اقوی شد سه بار؟ برای اینکه در این رابطه نصی که داریم اختلاف دارد. دو تا نص در این مسئله داریم، نص اول موثقه عمار که عمار سوال می کند از امام صادق علیه السلام «عن الاناء یشرب النبیذ»، از آن ظروفی که به خمر آلوده است، تطهیرش به چه صورت است؟ «فقال تغسله سبع مرات» [2] آن ظرف را هفت بار شستشو کنید. و اما ما باشیم و همین موثقه در بحث و مسئله قبلی گفتیم که اگر حکمی باشد و نصی باشد بلا. معارض و به تعبیر صاحب جواهر سالم از معارض دیگر راهی نیست به جز عمل کردن به مقتضای همان نص. اما اگر نصوص متعدد و مختلف بود، باید به قواعد اصولی مراجعه کرد. اول جمع عرفی را بفهمیم و انجام بدهیم. درباره تطهیر ظرف آلوده به خمر یک روایت موثقه عمار بود که گفتیم، روایت دوم هم موثقه عمار است که در آخر این حدیث آمده است «و قال فی قدح أو أناء یشرب فیہ الخمر قال تغسله ثلاث مرات» [3] سه بار این را تطهیر کنید. این دو تا موثقه از حیث اعتبار در یک حد هستند و از حیث دلالت هم هر دو دلالت شان واضح است. جمع از لحاظ سند نمی شود و از لحاظ دلالت هم جمع ممکن نیست پس برویم به طرف جم عرفی. قواعد اصولی درباره جمع عرفی می فرماید که مقتضای جمع این است که هر دو دلیل حفظ بشود. جمع این است که اگر شماره یک را مقدم بداریم، شماره دو کاملاً از بین می رود و این جمع نیست و اگر شماره دو را مقدم بداریم، شماره یک هم حفظ شده و شماره دو هم حفظ شده، هر دو که حفظ بشود می شود جمع عرفی. بنابراین اگر روایت سبع را مقدم بداریم روایت ثلاث لغو می شود و از بین می رود و معنی ندارد. پس عمل به سبع مرات بکنیم روایتی که آمده است ثلاث مرات لغو می شود. اما اگر روایت ثلاث مرات را مقدم بداریم جمع بین هر دو شده. سبع مرات هم در یک حدی حفظ شده ولی ثلاث مرات هم هست. این معنای جمع عرفی است که در تمامی تعارضات بین عام و خاص از این قرار است. اگر کلی و عام را مقدم بداریم، خاص لغو می شود اما اگر خاص را مقدم بداریم عام و کلی هم تا حدودی حفظ شده و به خاص هم عمل شده است. مقتضای جمع عرفی این است که ثلاث مرات را که بگیریم حمل می شود بر اینکه واجب ثلاث مرات است و مستحب سبع مرات است و این جمع است. چنانچه صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: حمل سبع مرات بر ندب و حمل ثلاث مرات بر وجوب «لعله اقوی» که اجماع نقل شده است بر اکتفاء به ثلاث مرات. یک شاهد جمع هم داریم. دلیل اگر داشتیم در حد اجماع منقول هم اگر بود، شاهد جمع می شود و کمک می کند این جمع را. اما اگر اخذ به سبع مرات بکنیم، ثلاث مرات دیگر نقش ندارد و لغو می شود. اما اگر ثلاث مرات را مقدم بداریم می گوییم ثلاث مرات واجب و سبع مرات مستحب [4]. این جمع است عرفی که متن هم همین را گفته است. «یستحب فی ظروف الخمر الغسل سبعا و الاقوی یعنی وجوب ثلاث مرات کسائر الظروف». بنابراین در نتیجه این جمع مطلب همین است که گفته شد بلا اشکال.

سوال: چرا يستحب گفته با اینکه احتیاط است؟
 جواب: در بحث استدلال می توانیم احتیاط بگوییم و در بحث فتوایی می توانیم مستحب بگوییم و این با هم دیگر تنافی و تضاد ندارد.

مسئله 13: اذا غسل الاناء بالماء الكثير
 مسئله سیزدهم: «اذا غسل الاناء بالماء الكثير لا يعتبر فيه التثلیث بل یکفی مره واحده حتی فی اناء الولوغ نعم الاحوط عدم السقوط التعفیر فیہ بل لا یخلو عن قوه و الاحوط التثلیث حتی فی الكثير». هر موقع که الاحوط و الاقوی و الاظهر آمد در بحث، بحثی است بحث برانگیز. مسئله این است که اگر انائی که آلوده شده و تنجیس که ظرف و اناء متنجس حکمش تطهیر ثلاث مرات بود و اختصاص به ولوغ نداشته که اگر به ولوغ اگر آلوده می شد تعفیر اضافه می شد اما در اناء حکم تثلیث بود. آیا در صورتی که با آب کثیر شستشو و تطهیر بشود، مره واحده کافی است یا باز هم همان ثلاث مرات لازم است؟ این مسائلی است که ادله ای دارد و شاید قائلین که سید آمده اینها را احتباط و احوط جمع کرده است. بنابراین فتوای سید یزدی در عروه الوثقی این است که اناء و ظرف متنجس با آب جاری و کثیر یک بار شستشو بشود، کافی است و نیاز به تعدد و تکرار ندارد. اما از لحاظ ادله گفته می شود طبق تتبعی که به عمل آمده این است که در آب جاری و کثیر تعدد لازم نیست. تطهیر مره واحده کافی است. و شاید این مطلب از نظر بعضی از فقهاء مورد تسالم اعلام شده.

ذکری تسالم را ذکر می کند
 شاهد بر این مدعا شهید قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «لا ریب فی عدم اعتبار العدد فی جاری و الكثير» [5]. عبارت «لا ریب فیہ» در اصطلاح مساوی با تسالم است.

صاحب جواهر اتفاق را ذکر می کند
 و صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «ظاهر الاصحاب الاتفاق علی الاجتزاء بمره واحده» [6]. بعد از این اتفاق گفته شد و این تسالم ذکر شد، صاحب جواهر ادامه می دهد ادله و پشتوانه دیگری هم برای این حکم بیان می کند.

ادله و مویدات
 مضافاً بر اتفاق صاحب جواهر ادله دیگری را هم اضافه می کند که عبارت اند از: 1. ظهور ادله دالّ بر تعدد به آب قلیل. برای اینکه در آن نصوصی گفته اند باید مرتین تطهیر بشود یا ثلاث مرات بیان مشتمل بر کلمه صبّ است یا «تصبّ الماء مرتین»، بعد از که کلمه صبّ بکار ببرد معلوم است که آب قلیل است. باب 1 از ابواب نجاسات حدیث 2 و 7 که کلمه صبّ آنجا به کار رفته است. بعد از این می فرماید: صحیحه محمد بن مسلم که گفت اگر

می خواهید شستشو کنید در مرکن مرتین «و فی الجاری مره واحده» [7] این هم دلیل واضحی است که گفته است مره واحده. ممکن است اشکال بشود که ماء جاری گفت و کثیر نگفت؟ جوابش این است که ابرز المصادیق تعرض کرده است، اشهر و ابرز مصادیق ماء کثیر جاری است و الا بعد ما از لحاظ فقهی می دانیم که آب کثیر دیگر در حکم با آب جاری مساوی هستند. آب جاری که مره واحده اینجا کافی بود می دانیم آب کثیر هم همین است، چون آب کثیر با آب جاری از لحاظ حکم فرقی فقهاً ندارد.

سوال: آیا در مورد خمر هم که روایت سبع مرات بود هم با آب کثیر یک بار است؟ جواب: تمامی متنجساتی که محکوم به تعدّد در تطهیر هستند مورد بحث است. این متنجسات دو قسم است، یکی که الا-ن بحث می کنیم که در متن آمده. قسمت اول متنجسات به غیر ولوغ و قسمت دوم متنجسات به ولوغ. الا-ن متنجسات به غیر ولوغ را بحث می کنیم، خمر باشد یا بول باشد اینها همه تعدد می خواهد. دلیل سوم را به عنوان موید ذکر می کند که صاحب جواهر می فرماید: آب کثیر وجداناً استیلاء دارد و استیلا بر متنجس استهلاک می آورد، پس از استهلاک حکم نجاست ساقط می شود. آنگاه پس از سقوط حکم نجاست دیگر زمینه برای تعدد تطهیر وجود ندارد. تایید دیگر هم آن روایتی را که از فقه رضوی نقل کردیم یا کتاب مستدرک که آنجا گفته بود که تطهیر با آب جاری مره واحده کافی است [8]. با این دو تا تایید و این دو دلیل مطابق با ظاهر اصحاب و حتی مطابق با تسالم حکم همین است که در متن آمده اقوی این است که در آب کثیر تعدّد در تطهیر لازم نیست و آنجا که گفته ایم تعدد در تطهیر لازم است اختصاص دارد به آب قلیل. اما شرح و استدلالی که از عصر فقیه همدانی تا عصر اخیر آمده است، استدلال وسیع تر و به ادله دیگری هم توجه شده است.

کلام سید الخویی و 6 مورد مدرک حکم

سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: مدارک این حکم آنچه گفته شده است و گفته می شود شش مورد است: 1. انصراف. در صورتی که بگوییم تطهیر نیازی به تعدد دارد، این تعدد انصراف دارد به آب قلیل. معمولاً تعدد به آب کثیر معمول نیست و داخل آب کثیر یا جاری که گذاشته بشود تعدد عرفاً مورد ارتکاز نیست. آنچه که مورد ارتکاز است که پس از آن انصراف صورت می گیرد این است که اگر ظرف متنجس با آب قلیل شستشو بشود، تعدد زمینه دارد. 2. مرسل علامه حلی در ابواب نجاسات یک حدیثی عنوان گرفته به نام مرسل علامه. چرا این را مرسل علامه می گویند؟ اولاً به اعتبار خود علامه است و ثانیاً در جوامع روایی وجود ندارد. از امام باقر سلام الله تعالی علیه نقل شده است که آقا از بیابان یا محله ای عبور می کرد که آنجا آب کثیر وجود داشت، فرمود: «لا یصیب هذا شیئاً الا طهره» [9]. این آب کثیر به چیزی اصابت نمی کند مگر اینکه آن شیء را تطهیر می کند. این اطلاق مفید این مطلب است که تطهیر یک بار کافی است و تعدد لزومی ندارد. 3. مرسله کاهلی «کل شیء یراه المطر فقد طهره» [10] با اضافه این جمله که «المطر کالجاری» [11]. سید الحکیم می فرماید که «لمطر کالجاری» که می گوییم اینجا که مطر برای تطهیر تعدّد را بر نمی تابد جاری بالاولویه تعدد را تحمل نمی کند، یک بار تطهیر با آب جاری کافی است.

اولويتش معلوم است كه قدرت ازاله جارى بيشتر از مطر است[12]. ادامه بحث جلسه آينده.

-
- [1] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج2، ص1076، ابوابنجاسات، ب53، ح1، ط اسلاميه.
- [2] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج25، ص368، ابواباشربه محرمه، ب30، ح2، ط آل البيت.
- [3] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج2، ص1074، ابوابنجاسات، ب51، ح1، ط اسلاميه.
- [4] جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفي، ج6، ص358.
- [5] الذكرى، شهيد اول، ج1، ص15.
- [6] جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفي، ج6، ص195.
- [7] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج2، ص1002، ابوابنجاسات، ب2، ح1، ط اسلاميه.
- [8] فقه رضوى، ص35 و مستدرک الوسائل، محدث نوري، ج2، ص553، ابوابنجاسات، ب1، ح1.
- [9] مختلف الشيعه، علامه حلي، ج1، ص178.
- [10] وسائل الشيعه، شيخ حر عاملي، ج، ص109، ابوابماء مطلق، ب6، ح5، ط اسلاميه.
- [11] التنقيحفي شرحالعروه الوثقى، سيد ابوالقاسم خويي، ج4، ص55.
- [12] مستمسك العروه الوثقى، سيد محسن حكيم، ج2، ص33.